آینه

کیهان

از تابستان سرد ایرانی تا پاییز داغ فرانسوی!

● **جعفر بلوری:** به اعتبار وجود شبکه‌های بی‌دروپیکر رسانه‌ای و اجتماعی، افکار عمومی درحال بمباران خبری و تحلیلی است. باور کنیم در هیچ کجای این کره خاکی هیچ دولتی چنین بی‌خیال، افکار عمومی خود را به دشمن نسپرده است. در همین فرانسه که درگیر شورش‌های بی‌سابقه است، جست‌وجوی برخی کلمات در موتور جست‌وجوگر گوگل، ممنوع است! در انگلیس و آلمان و آمریکا، اگر از طریق یکی از این شبکه‌های اجتماعی یا رسانه‌ها، خبر دروغی علیه شخصیت حقیقی یا حقوقی گفته شود، مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرد. اما در کشور ما کدام موضوع هست که فرد اراده کند و آن را در اینترنت و موبایل و... نیابد؟! از مواد مخدر و مشروبات الکلی و زنان خیابانی بگیر تا... در این فضای مجازی، کدام دروغ گفته نشده است؟ کدام تهمت زده نشده، اصلا آیا خط قرمزی در این فضا وجود دارد؟! اگر تا ۱۰ سال پیش با «سانسور» دنبال جهت‌دادن به افکار عمومی بودند، امروز با بمباران خبری، افکار و احساسات را جهت می‌دهند. این است که گاهی می‌بینیم فرد، روی گنج نشسته اما از نداری، ناله می‌کند و حس بدبختی دارد.

ایران

تقویت مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها

● **محمدجواد حق‌شناس، عضو شورای شهر تهران:** مراجعه به آرای عمومی امر جدیدی نیست. شاید برای اولین‌بار این مبحث در دوران باستان وجود داشته است. در آن دوران زمانی که می‌خواستند در مورد موضوعی تصمیمی بگیرند، آحاد جامعه جمع می‌شدند و در مورد آن نظر می‌دادند. در صدر اسلام هم در برخی از موارد شاهد مراجعه به آرا و افکار عمومی بوده‌ایم. اکنون هم این روند در کشورهایی مانند سوئیس جاری و ساری است. در این کشور برای تصمیم‌سازی با توجه به جمعیت محدودی که در آن وجود دارد و سازوکاری که در قانون اساسی آن فراهم شده، به‌راحتی و به‌کرات به همه‌پرسی مراجعه می‌شود.

با توجه به چنین تجربیاتی است که تدوین‌کنندگان لایحه رفراندوم محلی طرح موضوع کرده‌اند یا شاید قصدشان این است که به‌نوعی بحث همه‌پرسی در قانون اساسی را احیا کنند. به این دلیل که در فضای کلان و عمومی، اجرای اصل ۵۹ قانون اساسی را قابل دستیابی نمی‌دانستند و تصمیم گرفتند که حداقل به شکل منطقه‌ای بتوانند آن را به کار بگیرند و تجربه کنند. حال اگر مجلس این لایحه را تصویب کند، قطعا فرصتی خواهد شد که شهروندان یک شهر در صورت تشخیص شوراها بتوانند نظرات خود را لحاظ کنند و اعضای پارلمان شهری نیز بر همان اساس تصمیم‌گیری کنند.

آرمان امروز

عملکرد دولت؛ به نام اصلاح‌طلبان به‌کام اصولگرایان

علی تاجرنیا، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت: یادمان باشد که شعار «اصلاح‌طلب اصولگرا؛ دیگه تمومه ماجرا» اتفاقا در دولتی مطرح می‌شود که نگاهش بر حسب ظاهر اعتدال است. مردم انتظار دارند وقتی دولتی با یک‌سری شعارها و رویکردهای اصلاح‌طلبانه حضور پیدا می‌کند مشی و رفتارش نیز در همان راستا باشد. من هرگونه ائتلافی را نفی نمی‌کنم، اما به‌هرحال این ائتلافات باید با یکسری برنامه‌ها و اهداف مشخص صورت بگیرد نه اینکه بگوییم بر مسیر اعتدال حرکت کنیم. این اعتدال کجاست؟ چه کسی گفته گرانیگاه اعتدال الزاما در بین یک‌سری چهره‌های اصولگرا است؟ لذا من فکر می‌کنم که باید اینها را به‌درستی تبیین کرده و حرکت کنیم. متأسفانه یک‌سری از دوستان فکر می‌کنند که اگر یک دوره در دولت حضور نداشته باشیم چه اتفاقی می‌افتد؛ اتفاقا به نظر من اصلاح‌طلبان می‌توانند یک دوره در قدرت حضور نداشته باشند، خود را بازسازی و گفتمانشان را به مردم نزدیک کنند.

اعتماد

توییتر و سیاست‌مداران

● **محمدعلی ابطحی:** واقعیت جاری نشان می‌دهد که فیلتربودن یا نبودن توییتر تأثیری در حضور مسئولان از جریانات مختلف و در سطوح متفاوت ندارد. اما مسئولانی که بر ممنوعیت و فیلترینگ اصرار دارند واقعا به عادی‌کردن جرم کمک می‌کنند. چنانچه مشهود است دستگاه قضائی اصرار بیشتری به فیلتربودن دارد. درحالی‌که یکی از وظایف اصلی دستگاه قضایی این است که حتی‌المقدور زمینه جرم را کم کند. عادی‌شدن جرم و فراگیربودن آن قبل از همه، کار دستگاه قضائی را دشوار می‌کند. حتی اگر توییتر یا سایر شبکه‌های اجتماعی وابستگی کامل به آمریکا و دشمنان ایران داشته باشند، استفاده از ظرفیتی که مخالفان فراهم می‌کنند برای مسئولان ایرانی که حرف‌های خودشان را می‌زنند، قابل‌توجه است. یقینا وظیفه حکومت است که زمینه‌ای بسازد تا قانون‌شکنی قبیح بماند. طبق یک ضرب‌المثل ایرانی، توییتر در شرایط فعلی از آنهاست که اسمش را نباید آورد ولی خودش آماده و حاضر است و همه از آن استفاده می‌کنند. ضمن اینکه این نکته را نیز نباید فراموش کرد که هیچ‌کس نمی‌تواند با ۲۸۰ کاراکتر نظام را تضعیف کند یا دین مردم را به خطر بیندازد.

politics@sharghdaily.ir

ظریف در همایش حزب ندای ایرانیان به تشریح مناسبت منافع ملی و سیاست خارجی پرداخت

ما بدون مردم هیچیم

حفظ شأن مردم یک ضرورت امنیتی است

عکس: سهند تاکی، شرق

مهرشاد ایمانی: دیروز در چهارمین کنگره سراسری «حزب ندای ایرانیان» در مرکز همایش‌های برج میلاد تهران، صادق خرازی، غلامحسین کرباسچی و علی شکوری‌راد به سخنرانی پرداختند و مناسبت منافع ملی و سیاست‌های داخلی و خارجی را بررسی کردند. این نشست یک میهمان ویژه نیز داشت و آن محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه بود. ظریف با تبیین معنای نوین قدرت در عرصه جهانی گفت امروز مناسبات بین‌المللی تغییر کرده است و آنچه قدرت کشورها را تعیین می‌کند، حمایت‌های مردمی است. او با تکریم مردم ایران گفت که مسئولان باید نسبت به حفظ شأن مردم کوشا باشند. در کنار چنین سخنانی دیگر سخنران‌ها نیز منافع ملی را در گرو تحقق حقوق مردم دانستند؛ چنانچه کرباسچی گفت برای تحقق منافع ملی باید انتخابات آزاد وجود داشته باشد و شکوری‌راد اظهار کرد که حاکمیت نباید بخشی از مردم را نادیده بگیرد. درواقع مجموعه سخنان ارائه‌شده در این نشست به سمت‌وسوی بازخوانی حقوق ملت و الزام‌های رعایت آن رفت؛ موضوعی که با حاکمیت ملت نیز بی‌ارتباط نیست. ظریف بحث حاکمیت ملت را به ابعاد تازه‌ای هدایت کرد و قریب به مضمون اظهار کرد که حق ملت بر کشور خود، باعث تقویت قدرت بین‌المللی نیز می‌شود؛ بحث جدیدی که شاید بتواند منشأ بحث‌های مفصل دیگر باشد.

استحکام سیاست خارجی با وحدت ملی

به گزارش «شرق»، صادق خرازی، دبیرکل حزب ندای ایرانیان، در ابتدای این نشست ضمن خیرمقدم به حاضران، به‌خصوص وزیر امور خارجه گفت: «امروز در شرایطی قرار داریم که نشاط و اعتمادبه‌نفس عمومی آسیب دیده است و مشکلات اقتصادی، تحریم‌ها، بی‌تدبیری‌های مدیریتی و نبود امنیت کنشگران سیاسی، سلسله‌اندام‌های جریان‌های سیاسی را به لرزه درآورده است. تمام اینها انتقادهایی است که به دولت فعلی وارد است، اما انتقاد به دولت به معنای امضا بر دیوار عوام‌گرایانی نیست که هشت سال باعث انجماد سیاسی و اجتماعی کشور شدند و بی‌تردید کنشگران سیاسی، تجربه سال ۸۴ را تکرار نخواهند کرد و از به‌هدررفتن سرمایه‌های ملی جلوگیری خواهند کرد. انتظارات ما از دولت جدی است و همین مطالبه‌گری باعث می‌شود که بگوییم اصلاحات هنوز زنده است، زیرا گفتمان‌هایی مانند توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، انطباق دین و دولت و مبارزه با استعمار را درون خود جای داده است. اصلاح‌طلبان؛ این کنشگران واقعی ایران در مبارزه با وضع تحریم‌های ظالمانه مبارزه می‌کنند تا اجازه ندهند که شکل جدیدی از استعمار بر ایران حاکم شود. استحکام سیاست خارجی در گرو آرامش سیاست داخلی است. توفیق در سیاست خارجی نیاز به وحدت ملی دارد و دولت باید توجه داشته باشد که با استفاده از وحدت ملی از دستاوردهای مهم خود در حوزه سیاست خارجی محافظت کند؛ گرچه تاکنون نیز این امر محقق شده و به همت آقای ظریف و همکارانشان اتفاقات بسیار بزرگی در عرصه بین‌المللی برای ایران تحقق یافته است. به یاد دارم که دبیرکل سازمان ملل متحد می‌گفت که اگر ظریف در ایران متولد نشده بود، ظرفیت دبیرکل‌شدن سازمان ملل را نیز داشت. باور کنید که دل جواد ظریف بیش از همه ما از اوضاع فعلی خون است و دغدغه‌های او کمتر از مردم نیست، اما با تمام هجمه‌ها و بی‌مهری‌ها، برای ایران، برای اسلام و برای آرمان‌های تمام شهدای این وطن استوار ایستاده است. ظریف افتخار مردم ایران است و نام او همواره بر تارک سیاست خارجی به نیکی نقش خواهد بست، همان‌طور که نام فردی مانند دکتر فاطمی به نیکی ماندگار شد».

مردم، قدرت واقعی ایران

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، نیز در ادامه این همایش با اشاره به نقش مردم در قدرت بین‌المللی ایران اظهار کرد: «به دلیل آنکه از ابتدای زندگی کاری‌ام در بخش سیاست خارجی دارای مسئولیت بوده‌ام، هیچ‌وقت فعالیت حزبی نکرده‌ام و با چنین فضاهای پرشوری آشنا نیستم؛ زیرا کارمندان وزارت امور خارجه از فعالیت حزبی منع شده‌اند و اگر اراده آقای خرازی نبود، در این همایش شرکت نمی‌کردم. سیاست خارجه باید براساس منافع ملی پیش برود و چه خوب است که تمام احزاب در این راستا تلاش کنند؛ کمااینکه در این همایش نیز دبیرکل چند حزب گردهم آمده‌اند تا درباره منافع ملی به گفت‌وگو بپردازند. ایران یک کشور تأثیرگذار و قدرتمند است و از لحاظ تاریخی و جغرافیایی همواره منشأ اثر بوده است و خواهد بود و این یک واقعیت است که قدرت ایران در تاریخ چندهزارساله خود بر کشورهای مختلف تأثیرگذار بوده است.

قدرت ایران وابسته به مردم ایران است. شما تمام قدرت‌ها اعم از قدرت اقتصادی، نظامی، حمایت‌های خارجی و حتی سلاح هسته‌ای را تصور کنید. در تمام اینها کشورهای همسایه از ما قدرتمندتر هستند. هزینه تسلیحاتی ایران برای هر فرد در کل منطقه خاورمیانه از همه کشورها به‌جز مصر پایین‌تر است. عربستان سال گذشته ۶۹ میلیارد دلار برای خرید اسلحه هزینه کرد؛ درحالی‌که بودجه نظامی جمهوری اسلامی بیش از ۱۶ میلیارد دلار نبود. آنچه ایران را از تمام کشورها متمایز می‌کند، اتکا به قدرت مردم است؛ بنابراین حفظ شأن مردم نه‌تنها الزام اخلاقی؛ بلکه یک ضرورت امنیتی است. واقعیت این است که ما بدون مردم هیچیم. چندی پیش یکی از مسئولان آمریکا گفت که اگر ما پشت عربستان نباشیم، آنها به فارسی حرف خواهند زد یا آنکه ترامپ گفت که اگر دو هفته پشت عربستان را خالی کنیم، دوام نمی‌آورد. تمام این واقعیت‌ها نشان از اهمیت مردم ایران دارد. مردم ایران در تمام شرایط از کشورشان دفاع کرده‌اند و ایثارهای بسیاری از ایشان مشاهده شده است و از این نظر باید از این سرمایه بزرگ اجتماعی حفاظت کنیم. رعایت حقوق بشر برای نظام ایران ضرورت ادامه حیات کشور است. یک پرسش مهم در اینجا مطرح می‌شود که چرا مردم به این میزان دارای اهمیت هستند؟ زیرا دنیا در مقایسه با گذشته تغییر کرده است و وقتی از قدرت سخن می‌گوییم، فقط درباره اقتصاد و مسائل نظامی سخن نمی‌گوییم. قدرت واقعی این است که یک کشور با تکیه بر مردم خود بتواند استقلالش را حفظ کند و بدون دخالت بیگانگان تصمیم بگیرد. آمریکا به‌خوبی می‌داند که قدرت ایران درون‌زاست و مردم در ایجاد این قدرت مهم‌ترین نقش را دارند».

> **صادق خرازی:**
> **انتقاد به دولت به معنای امضا بر دیوار عوام‌گرایانی نیست که هشت‌سال باعث انجماد سیاسی و اجتماعی کشور شدند و بی‌تردید کنشگران سیاسی، تجربه سال ۸۴ را تکرار نخواهند کرد و از به‌هدررفتن سرمایه‌های ملی جلوگیری خواهند کرد. انتظارات ما از دولت جدی است و همین مطالبه‌گری باعث می‌شود که بگوییم اصلاحات هنوز زنده است**

دوران پساغربی

ظریف با اشاره به شکل جدید مناسبات بین‌المللی افزود: «ما یک مشکل مهم داریم و حل آن می‌تواند مبنای وحدت باشد. مشکل ما این است که هم مدافعان ارتباط با غرب و هم مخالفان آن محور عالم را غرب می‌دانند. موافقان هر پیشرفتی را منوط به پذیرش مطلق غرب می‌دانند و مخالفان یا به تعبیری دلواپسان هویت خود را در ضدیت با غرب معرفی می‌کنند. موضوع این است که اکنون در دوران پساغربی زندگی می‌کنیم. در قرن‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی همه اتفاقات مهم در اروپا می‌افتاد و حتی اگر اتفاق مثبتی در آسیا یا آمریکا رخ می‌داد، چندان تأثیری نداشت. باید بدانیم و باور کنیم که آن دوران تمام شده است. ما عادت کرده‌ایم که همه تأثیرات را منوط به نقش غرب بدانیم. غرب محور عالم نیست. البته من از آن دست افرادی نیستم که به طور کلی غرب را انکار کنم. قطعا بخش مهمی از جهان امروز، غرب است؛ اما نه تمام جهان. در واقع هم شرق به غرب و هم غرب به شرق باید نگاه داشته باشند. دوران ابرقدرتی تمام شده است. شاهدمثال آن رویکرد ترامپ است. او رئیس‌جمهور کشوری است که هزینه نظامی‌اش برابر با کل بودجه نظامی تمام کشورهای جهان است. ترامپ با داشتن چنین قدرتی برای فشار به ایران نمایندگانی را می‌فرستد که به افراد مختلف بگویند اگر با ایران معامله کنید، ویزای آمریکا به شما تعلق نمی‌گیرد. اگر همه‌چیز را در آمریکا خلاصه نکنیم، دولتمردان این کشور نمی‌توانند خواسته‌هایشان را اجرا کنند. نوع مناسبات جهانی اعم از رویکردهای اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی و... تغییر کرده است و حتی رئیس‌جمهور آمریکا نیز نمی‌تواند به کنترل اطلاعاتی بپردازد. انحصار از اختیار دولت‌ها خارج شده است. وقتی القاعده یا داعش خارج از مناسبات دولتی می‌توانند خشونت بین‌المللی ایجاد کنند، به این معنی است که دیگر دولت‌ها انحصار ندارند و آنچه می‌تواند یک کشور را از دیگر کشورها متمایز کند، بهره‌گیری از عنصر عقلانیت است و در این راستا ما باید بتوانیم کنشگر عمده باشیم».

انتقاد از کیهان و صداوسیما

ظریف با انتقاد از مواضع برخی از تندروها و صداوسیما ادامه داد: «به یاد دارم که روزی اوباما گفت اگر می‌توانستم، یک پیچ‌ومهره از صنعت هسته‌ای ایران باقی نمی‌گذاشتم. کیهان و صداوسیما این جمله را تیتر کردند؛ اما جمله بعدش را ذکر نکردند که او گفت اما نمی‌توانم. چرا عده‌ای سعی می‌کنند که غرور ملی را نشانه بروند؟ چرا عده‌ای هنوز باور نکرده‌اند که می‌توان آمریکا را شکست داد؟ باید بدانیم که ما پشت میز مذاکره با غربی‌ها نبودیم؛ بلکه مردم در آن مذاکرات حاضر بودند و حق نیست که امید مردم را ناامید کنیم. منافع ملی حزبی و جناحی نیست. همه ما در یک کشتی نشسته‌ایم. برخی از افراد نمی‌دانند که برای بدخواهان خارجی ایران تفاوتی وجود ندارد که چه کسی رئیس‌جمهور یا وزیر است. ما باید تمام ظرفیت خود را برای وحدت ملی به کار بگیریم تا از کشورمان دفاع کنیم».

چگونگی تعیین مصادیق منافع ملی

غلامحسین کرباسچی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی با تکیه بر ضرورت توجه به ملاحظات منافع ملی در این نشست اظهار کرد: «اول باید منافع ملی تعریف شود و ببینیم که چه چیزی منافع ملی است و چه چیزی منافع ملی نیست. همه باور دارند که برای منافع ملی، تلاش می‌کنند. زمانی عده‌ای افراد را ترور می‌کردند و می‌گفتند که این ترورها در راستای تحقق منافع ملی است. در خاطرات اعضای سازمان مجاهدین خلق می‌توان مشاهده کرد که جمع‌بندی آنها برای تأمین منافع ملی، ترور بود. برخی نیز می‌گویند که منافع ملی از نگاه مذهبی حاصل می‌شود. چنین تفاوت نظرهایی فقط مختص کشور ما نیست و در عموم کشورهای جهان تفاوت نظر وجود دارد؛ بنابراین در ابتدا باید تبیین کنیم که معیار تعیین منافع ملی چیست؟ به نظر می‌رسد که با شرایط امروز جهان، یک فرد یا حتی یک حزب نمی‌تواند تعیین‌کننده منافع ملی باشد و تنها راه تشخیص آن انتخابات سالم و آزاد است. مردم باید برای رسیدن به وحدت ملی از طریق انتخابات آزاد نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند تا ایشان اراده مردم باشند. نباید صلاحیت نامزدهای انتخاباتی با سلایق فردی رد شود. احزاب در تسهیل این موضوع می‌توانند نقش مهمی داشته باشند».

تحقق مردم‌سالاری مستمر

کرباسچی در ادامه این همایش افزود: «آقای ظریف در بخشی از سخنان خود گفتند که منافع ملی فرای جناح‌ها یا احزاب است؛ اگرچه کلیت این موضوع درست به نظر می‌رسد اما به بخشی از این سخن انتقاد وارد است؛ زیرا مجموعه احزاب و جناح‌ها منافع ملی را تعیین می‌کنند. به یاد دارم که در سال ۷۳ یا ۷۴ با آقای عسگراولادی مباحثی تلویزیونی درباره کارکرد احزاب داشتم. او گفت که احزاب باید مواظب باشند هرآنچه نظر ولی‌فقیه است، تأمین شود. من گفتم که اگرچه در کلیت با شما موافقم اما ولی‌فقیه در امور کلی نظر می‌دهند و مسائل روزمره مردم با احزاب است. احزاب اگر قرار است که منفعل باشند که دیگر نیازی به حضورشان نیست. اگر کشورهای درحال توسعه از حمایت داخلی برخوردار نباشند، نمی‌توانند در دنیا حضور جدی داشته باشند. اگر می‌خواهیم در عرصه بین‌المللی منافع ملی ایرانیان را لحاظ کنیم، باید چنان استحکامی داشته باشیم که کشورهای مختلف نتوانند ما را انکار کنند. ما باید یک مردم‌سالاری مستمر داشته باشیم و بر اساس آن حمایت عمومی مردم را جلب کنیم تا سیاست خارجی با تکیه بر حمایت داخلی بتواند از منافع ملی دفاع کند».

ضرورت حفاظت از منافع ملی

علی شکوری‌راد، دبیرکل حزب اتحاد ملت نیز درباره جایگاه منافع ملی در سیاست‌های داخلی و خارجی گفت: «عالی‌ترین نوع هویت، هویت ملی است. تاریخ‌دان‌ها و جغرافی‌دان‌ها هویت ملی را مبتنی بر سرزمین و تاریخ مشترک می‌دانند و جامعه‌شناسان زبان و فرهنگ مشترک را عامل اصلی هویت ملی معرفی می‌کنند و برای اهالی سیاست، تشکیل دولت و ساختارهای سیاسی مهم است. دو گفتمان رایج در بازشناسی هویت ملی وجود دارد؛ برخی با گفتمان متعالی، آموزه‌های دینی را سرمشق قرار می‌دهند و برخی دیگر گفتمان توسعه را انتخاب می‌کنند که تأمین‌کننده حیات دنیایی انسان است. در گذشته نیز طیف‌های ناسیونالیستی، غرب‌گرا و... هریک تعریف خود را از این مفهوم داشته‌اند. قانون اساسی در اصل ۱۷۶ مقرر کرده است که شورای عالی امنیت ملی باید حافظ منافع ملی باشد. در واقع منافع ملی به یک حس مشترک و پاسداری از منافع جمعی بازمی‌گردد؛ منافعی مانند محیط زیست، سرزمین، حاکمیت، حقوق شهروندی، پول ملی و.... مسئولان واقعا برای حفظ این موضوعات چه اقداماتی انجام داده‌اند؟ آیا ما توانسته‌ایم از مهاجرت نخبگان جلوگیری کنیم؟ وقتی به همه این مسائل توجه نشود، نمی‌توان انتظار داشت که منافع ملی تأمین شود».

شکوری‌راد ادامه داد: «از سوی دیگر ما با پدیده‌ای به نام تحریف منافع ملی نیز مواجهیم. ممکن است برخی از افراد با سوءاستفاده از مفاهیم منافع فردی و جمعی، تعریف نادرستی از منافع ملی ارائه بدهند. هرگاه بازتعریف هویت ملی به‌گونه‌ای ارائه شود که بخشی از مردم در آن نادیده انگاشته شوند، تحریف منافع ملی صورت گرفته است. در انقلاب مردم هویت خود را براساس سرزمین مشخص و حکومت جدید خود تعیین کردند اما بعد از ۴۰ سال شاهد آن هستیم که بخشی از مردم کنار گذاشته شده‌اند. باید به تمام این مسائل توجه شود تا منافع ملی از هرگونه خطری در امان بماند».

درباره غیبت دبیرکل مؤتلفه

محمدنبی حبیبی نرفت. دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی قرار بود که در جریان برگزاری چهارمین کنگره حزب ندای ایرانیان در پنل احزاب و منافع ملی حاضر شود و سخنرانی کند اما باوجودآنکه وعده کرده بود در این مراسم حضور داشته باشد، نرفت و صندلی خالی او در کنار غلامحسین کرباسچی، دبیرکل حزب کارگزاران، علی شکوری‌راد، دبیرکل حزب اتحاد ملت و صادقی خرازی خالی ماند. حبیبی سفر را بهانه کرده و قائم‌مقام جوان خود را راهی این مراسم کرده بود.

دعوت از برخی چهره‌های اصولگرا در کنگره‌های احزاب اصلاح‌طلب اگر رویه نباشد، اما گاهی اتفاق می‌افتد. بااین‌حال ندای ایرانیان این بار نه‌تنها از دبیرکل حزب مؤتلفه دعوت کرده بود بلکه از او خواسته بود تا در جریان پنل این حزب سخنرانی هم داشته باشد. حبیبی اما ترجیح داده باوجودآنکه قبول کرده بود در این مراسم حضور داشته باشد، از این دعوت سر باز زند و برای آنکه دلخوری هم پیش نیاید، قائم‌مقام جوان خود را روانه کرده و از او خواسته بود که ساعتی در کنگره حضور داشته باشد.

حبیبی نرفت و نرفتن او در این مراسم هم بی‌علت نبود. او در روزهای اخیر انتقادات تندوتیزی را درباره اصلاح‌طلبان و دولت مطرح کرده است. از قضا همین چند وقت پیش بود که مؤتلفه هم کنگره‌ای برگزار کرده و نبی حبیبی در آن کنگره گفته بود: «جریان اصلاح‌طلبی از ابتدای دولت آقای روحانی به تصرف و تصدی پست‌های دولتی همت کامل گماشتند و با اطمینان می‌گویم که در کل کشور، بیش از ۹۰ درصد پست‌های مدیریتی دولتی را از آن خود کرده‌اند ولی در اداره کشور و به‌خصوص در حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم موفقیت چندانی نداشته‌اند بلکه نارضایتی‌های عامه مردم را در موضوعات بی‌کاری و گرانی و بسیاری از تولیدات اقتصادی افزایش داده‌اند.

جالب است حالا که بخش مهمی از جریان اصلاح‌طلبی از مدتی پیش به نمک‌نشناسی نسبت به آقای رئیس‌جمهور پرداخته‌اند و با نگاه به انتخابات آینده در مواردی از آقای روحانی تبّری هم می‌جویند و ایشان را تشویق به استعفا می‌کنند، این نمک‌نشناسی یک شگرد انتخاباتی است».

در بیانیه حزب مؤتلفه هم از دولت خواسته شده بود تا اصلاح‌طلبان را اخراج کند: «حضور اصلاح‌طلبان با رویکرد خروج از حاکمیت، امنیت ملی و سلامت کارکردهای دستگاه‌های دولتی را به خطر انداخته است؛ بنابراین دولت باید فکری برای این آسیب بکند و اهالی فتنه را از دستگاه‌های اجرائی اخراج نماید». به نظر می‌آید حتی اگر نبی حبیبی در محظور هم این دعوت را پذیرفته بود، احتمالا در لحظات پایانی مشاورانی به او گفته‌اند که آن مواضع با این حضور جور درنمی‌آید.

ادامه از صفحه اول

«بهزیستی» سازمانی برای تمام فصول

با وجود متنوع‌بودن خدماتی که از سوی ادارات بهزیستی سراسر کشور ارائه می‌شود، ولی آگاهی عمومی ناچیزی از طیف خدمات سازمان بهزیستی وجود دارد. همان‌طور که گفته شد با وجود آنکه این سازمان از نگاه مردم، سازمانی حمایتی است ولی درواقع سازمانی است سیاست‌گذار و تخصصی که حجم خدمات حمایتی آن به حدی وسیع است که می‌توان آنها را خدمات عمومی محسوب کرد. شاید جالب باشد بدانید که سازمان بهزیستی از سابقه‌ای بسیار طولانی در طراحی و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه برخوردار است: پیشگیری از تنبلی چشم در کودکان، مراکز مشاوره ژنتیک، غربالگری شنوایی، مراکز مشاوره‌های روان‌شناختی، برنامه پیش از ازدواج، آموزش زندگی خانواده و مهارت‌های زندگی، برنامه پیشگیری اجتماع‌محور از اعتیاد، مراکز درمان اختلال مصرف مواد مخدر یا روان‌گردان و... مهم‌ترین برنامه‌های پیشگیرانه کشور هستند که بسیاری از آنها برای اولین بار توسط تشکیلات پیشگیری سازمان بهزیستی کشور اجرا شده‌اند. البته این نقد بر سازمان بهزیستی وارد است که معمولا هر مسئله یا موضوعی که دیگر بخش‌ها تمایلی به انجام آن نداشته باشند یا از پس آن برنمی‌آیند، به این سازمان سپرده می‌شود. ازاین‌رو، تعدد خدمات این سازمان دو مسئله جدی را به وجود می‌آورد؛ اولین مسئله، مطالبات عمومی مردم است: آمار بالای تصادفات رانندگی، روند جهانی رو به افزایش آسیب‌های اجتماعی، پیرشدن جامعه و فقدان آگاهی‌های عمومی روزبه‌روز بر خیل مراجعان به سازمان بهزیستی می‌افزاید. دومین مسئله تمایل‌نداشتن چهره‌های مطرح مدیریتی کشور به میز ریاست این سازمان است. از بدو تأسیس این سازمان، چه در دولت‌های اصولگرا و چه اصلاح‌طلب هیچ‌گاه چهره‌های شناخته‌شده‌ای در مقام ریاست این سازمان دیده نشده است. با وجود این، ارزیابی‌های مدونی از عملکرد ۱۳ رئیس پیشین این سازمان وجود ندارد. هم‌اکنون که زمزمه‌هایی مبنی بر تغییر ریاست این سازمان شنیده می‌شود، شرایط خاص اجتماعی ایجاب می‌کند انتخاب شایسته‌ای صورت گیرد. از بین مجموعه‌ای از ویژگی‌های لازم برای این انتخاب، سه مورد ذیل مهم‌تر به نظر می‌رسند؛ اولین ویژگی، داشتن پیشینه مدیریتی در رده‌های بالای دولت یا سایر قواست. این ویژگی سبب آشنایی کاندیدای ریاست سازمان با سایر لایه‌های حکومت و به‌ویژه قوای مقننه و قضائیه خواهد شد. اهمیت این شناخت به او کمک می‌کند برای افزایش کمیت و کیفیت خدمات سازمان از مساعدت مدیران کلیدی حوزه‌های گفته‌شده برخوردار شود. قاعدتا فردی که در بین رجل سیاسی کشور آن‌چنان شناخته‌شده نباشد، آن‌گونه که بایدوشاید از پس مشکلات برون‌سازمانی و درون‌سازمانی بر نخواهد آمد. دومین ویژگی برای ریاست سازمان، پایبندی به اصول علمی، عقلانی و منطقی در مدیریت است. جایگاه رئیس سازمان بهزیستی به‌گونه‌ای است که او را در کارهای اجرائی غرق کرده و از سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت غافل می‌کند. طبیعتا فقدان خط‌مشی مبتنی بر شواهد و اصول علمی، در کنار حجم وسیعی از امور اجرائی پراسترس، ناکارآمدی وی را به دنبال خواهد داشت. به‌عنوان قاعده‌ای کلی معمولا مدیرانی که خود را پایبند به اصول علمی می‌دانند، سیاست‌های مقرون‌به‌صرفه‌تری پیش می‌گیرند. سومین ویژگی، گرایش سیاسی است. روشن است که یک دولت اصولگرا یا اصلاح‌طلب، کابینه و اعضای کلیدی خود را عمدتا از بین جریانات سیاسی همسو با خود انتخاب می‌کند. به‌کارگیری این قاعده در خصوص انتخاب رئیس سازمان بهزیستی، می‌تواند بر پیشبرد مسئولیت‌های این سازمان تأثیر منفی به‌جای گذارد، چراکه این شخص خواهی‌نخواهی مجبور است که درباره بسیاری از مسائل از مساعدت حوزه‌های دیگر بهره ببرد؛ بنابراین معقول خواهد بود که رئیس سازمان از بین چهره‌های مستقل انتخاب شود. ازقضا، رئیس قبلی سازمان بهزیستی که البته سرپرست سابق وزارت رفاه بوده و استاندار فعلی تهران هم شده است، به‌جز مورد آخر واجد دو ملاک دیگر بوده است: سابقه نمایندگی در سه دوره مجلس، دومین مدیر بیمه سلامت و عضو هیئت‌علمی دانشگاه. موارد شمرده‌شده دال بر آن است که احتمالا سازمان بهزیستی در دوره مدیریتی دکتر محسنی‌بندپی، چه در حوزه گسترش خدمات و چه ارتقای کیفی، تغییرات محسوسی داشته است. با وجود این، جالب است که در ۳۸ سال گذشته هیچ‌گاه از بدنه سازمان، شخصی به‌عنوان رئیس انتخاب نشده است، حال آنکه وجود ۳۱ مدیرکل استانی به‌علاوه مدیران ستادی این سازمان، پتانسیل مطلوبی است که وزیر رفاه می‌تواند با در نظرگرفتن شاخص‌های اشاره‌شده، با انتخابی مناسب این ریسک را بپذیرد که آیا می‌توان سازمان را به نیروهای خودش سپرد یا خیر. آنچه روشن است، این است که رئیس سازمان بهزیستی در کابینه دولت، حکم وزیر قدرتمندی را دارد که می‌تواند با تقویت انواع برنامه‌های توان‌بخشی، خدمت‌رسانی به طیف وسیعی از آسیب‌دیدگان اجتماعی و پیشگیری از شکل‌گیری انواع آسیب‌ها، سلامت اجتماعی جامعه را بهبود بخشد. این وضعیت می‌تواند رضایت گروه وسیع خدمت‌گیرندگان از سازمان را افزایش دهد. از آنجایی که موفقیت سازمان‌ها در کارنامه دولت وقت نوشته خواهد شد، با توجه به اینکه دکتر بندپی استاندار تهران شده است، اینکه چه کسی جانشین رئیس فعلی این سازمان شود، احتمالا بر سرنوشت انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ تأثیر مهمی خواهد داشت.